

انقلاب برای مایک دیالوگ نبود

خراسانی

گفت‌وگو

علی براتی گجوان **یاز هم سراغ دغدغه‌هایی رفته است که در نوشته‌ها و صحبت‌هایش در محافل داستانی مشهود است او سراغ داریم. او اصولاً یاز درباره جنگ تحمیلی می‌نویسد یاز از انقلاب اسلامی دومین مجموعه داستانش، «آماده ترور باش، کتابی است که با محوریت رویدادهای انقلاب به نگارش درآمده است. براتی خاطرات خود و دیگران را از رویدادهای مرتبط با انقلاب در دهه پنجاه و شصت دستمایه بیست و یک داستان کوتاه کتاب کرده است. با او درباره این اثر تازه‌اش گفت‌وگو کرده ایم.**

● **کتاب اول شما سال ۱۳۴۶ منتشر شد و حالا در سال ۱۴۰۰ شاهد چاپ دومین مجموعه داستانتان هستیم. علت این فاصله زمانی طولانی چیست؟**

برای مجموعه داستان اولم «پسر من قاتل است، جلسه نقد و بررسی‌ای در یکی از فرهنگ‌سراهای تهران با حضور آقایان گودرزی و فرست و... برگزار شد و بازخورد خیلی خوبی دیدم. در ادامه آن هم جلسه‌های دیگری از جمله در شهر خودمان مشهد اتفاق افتاد و یازخورد‌ها همچنان خوب بود. برای من تعریف و تمجید یا نقد‌های تند خیلی مطرح نیست، اما نویسنده حس خوبی پیدا می‌کند وقتی می‌بیند مخاطبش کتاب او را فهمیده و درک کرده است. این در عین حال باعث شد سواست زیادی به سراغ من بیاید. با خودم گفتم کتاب بعدی‌ام اگر حتی از لحاظ فرم جذابیت کارا ولرم‌تر ندارد. از نظر موضوع باید تفاوتش آشکار باشد. من کتاب‌ها و خاطرات زیادی با موضوع انقلاب اسلامی خوانده بودم. از طرفی یادم است نشست برای «سرخ سفید، مهدی یزدانی خرم در مشهد برگزار شد. من در آن کتاب نگاهی منفی به انقلاب دیدم و این را به خود نویسنده هم گفتم. متوجه شدم تا کنون در حوزه انقلاب مجموعه داستان خوبی ندیده‌ام که شایسته آن آدم‌های خوب تاریخ انقلاب باشد. واقعیت امر هم این بود که پس از پیروزی انقلاب، بچه‌هایی که در این حوزه وارد شده بودند. تا آمدند نگاه صورت دهند، با جنگ تحمیلی روبه‌رو شدند. به نوعی جنگ ادبیات انقلاب را

بلعید و اجازه تنفس به آن نداد. گفتم باید مجموعه‌ای نوشته شود که در درجه اول موضوع داستان‌ها خاص و خوب باشد به طوری که مخاطب هم آن را بپذیرد و هم برایش نوباشد. از طرفی می‌خواستم داستان‌هایی بنویسم که نگاهی فراتر از نگاه رسمی- از آن نوعی که در رسانه ملی دیده می‌شود- داشته باشد. خوب، نوشتن حدود ۲۵ داستان با چنین رویکردی زمانبر بود. از آن تعداد، ۴ داستان حذف شد و ۶ داستان اصلاحیه خورد، با اینکه من قبلاً چنین داستان‌هایی را بدون مواجهه با مشکل خاصی در روزنامه‌های مشهد و کشور چاپ کرده بودم. به هر صورت، بعد از بازنویسی‌ای که در عین حال سعی کردم بدون آسیب دیدن داستان‌ها انجام شود. ۲ سال یا ۲ سال و نیم پس از چاپ

کتاب اول، نگارش مجموعه داستان «آماده ترور باش» تمام شد. وقتی کتاب را به ناشری در پایتخت ارائه کردم، با اینکه خودش پیشنهاد چاپش را داده بود، طلب پول کرد. از طرفی، ناشر صادقی نبود و مثلاً در شناسنامه کتاب شمارگان را هزار جلد می‌نوشت، اما فقط ۲۰۰ جلد چاپ می‌کرد. در ادامه، کار را به انتشاراتی‌های دیگری در مشهد تهران دادم که هر یک بعد از دو یا چند ماه به علتی آن را نپذیرفتند. فرصت همین‌طور از دست رفت تا اینکه با گرانی کاغذ و زینک و بعد هم فراگیری ویروس کرونا روبه‌رو شدیم. سرانجام یکی از آشنایان از نشر تازه تأسیس صاد تماس گرفت و کتابی برای چاپ خواست. برخوردشان با عزت و احترام بود و در نهایت امسال کتاب چاپ شد. این زمان طولانی یکی از مشکلات بچه‌هایی است که در حوزه‌ای می‌نویسند که هر ناشری به آن تمایل ندارد.

● **شعاعی گو بی‌دستی کرده‌اید از نگاه رسمی فراتر بروید. این اتفاق مثلاً در داستان جذاب «ژدها و ارمی‌شوره» افتاده. اما روی‌هم‌رفته من در داستان‌های کتاب همان جهت‌گیری رسمی را می‌بینم. مثلاً، «ما چهار نفر بودیم» که بچه‌ها تصمیم می‌گیرند کیف حاوی اعلامیه‌ها را به روحانی مسجد بدهند.**

اجازه بدیدید شما مخالفتم کنم، با رفتن به خود متن. در همین داستان مورد اشاره ما ۴ نفر دزد می‌بینیم که آن کیف را سرعت می‌کنند. یاد «روسری قرمز، نکته‌کلیدی این است که آن‌هایی که در پایین‌ترین سطح فعالیت‌های ایدئولوژیک هستند، نگاه عمیقی ندارند. شما در هیچ‌یک از داستان‌های کتاب، ایدئولوژی زدگی و

جمله‌های گل درشت و شعاری نمی‌بینید. اگر هم به عنوان مثال جایی شعار «دکتر علی شریعتی، معلم شهید ما، جان به کفش ن داده بود...» را می‌خوانید، برای این است که ناچار بودم آن حال و هوا را به مخاطب نشان دهم. این‌ها تجربه‌های شخصی خود من است و در کل، ۸۰ درصد کتاب از تجربه‌های زیسته من مایه می‌گیرد. مخاطب در داستان‌های این مجموعه‌گاه با حضور دختر خانم جوان و زیبا و پیاکندی روبه‌رو می‌شود که به نوعی همان خاک من و وطن من، مادر من است و قرار است زایش داشته باشد. وقتی زن وارد داستان می‌شود، با خودش نور و طراوت می‌آورد، زیبایی و جذابیت می‌آورد. انقلاب در دید من نوجوان آن سال‌ها چنین ویژگی‌ای داشت. یک چیز نبود، یک دیالوگ و نگاه نبود که ما را جذب خودش می‌کرد. این است که آن‌هایی که در پایین‌ترین سطح فعالیت‌های ایدئولوژیک هستند، نگاه عمیقی ندارند. شما در هیچ‌یک از داستان‌های کتاب، ایدئولوژی زدگی و



علی براتی گجوان در نشست با خبرنگاران

تعلیم می‌کنم که در گفته‌هایشان هنر را نشان دهنده نقاط کور و مبهم معضلات اجتماع می‌دانستند.

● **از ورود شخصیت زن به داستان‌ها گفتید. در برخی کارهای کتاب این اتفاق می‌افتد و از قضا به جذابیت اثر می‌افزاید. چرا این حضور مقوله عشق در کتابتان کمرنگ است؟**

اگر در جریان راهپیمایی‌ها و برخوردها و مناسبات آدم‌های انقلاب، اتصالی رخ می‌دهد، به خاطر اتفاق اصلی یعنی خود انقلاب اسلامی است. در واقع ماجراهای عاشقانه مدنظر شما موضوع اصلی من نیست. نکته دیگر این است که من با مسئله میز می‌هم‌رویه رو بودم. داستانی در این مجموعه دارم که سه بار بازنویسی کردم تا مجوز گرفت. متأسفانه برخورد ممیزی با کتاب وسینما دوگانه است. جالب است که شما اتفاقات عاشقانه و دراماتیکی در هر دو قسمت فیلم «ماجرای نیمروز» می‌بینید. ولی پای کتاب که به میان می‌آید، اجازه نمی‌دهند!

● **آدم‌های داستان‌های شما بیشتر مشهدی و**

اهل مناطق پایین این شهر هستند، اما کمابیش همه گفت‌وگوهای کتاب به گویش معیار است. فکر نمی‌کنید ایسن باورپذیری کارتان را کم می‌کند؟

من به هیچ وجه قصد نداشتم آدم داستان بومی بنویسم. مخاطب من خوانندگانی از سراسر ایران هستند که نمی‌خواستم برای متوجه شدن صحبت‌های شخصیت‌ها مدام ناچار شوند به پانویس‌ها رجوع کنند.

● **درباره شخصیتی به نام هادی که در برخی داستان‌های «آماده ترور باش» حضور دارد، توضیح می‌دهید؟ اینکه چرا این قدر از این نام استفاده کرده‌اید.**

شخصیت هادی را از روی دوست دوران نوجوانی و مدرسه‌ام شهید هادی جغتایی نوشته‌ام که در جنگ تحمیلی به شهادت رسید. البته خود شهید آدمی جدی بود، ولی هادی داستان‌های من شوخ طبع است. من از پرداختن به این آدم ناگزیرم، چون او وجه دیگری از شخصیت خود من است و در هر داستانی که وارد می‌شود، نفر دوم- بعد از من را می‌آوست.

● **کار بعدی‌تان چه خواهد بود؟**

۴ کتاب در برنامه آماده‌سازی دارم. یکی مجموعه‌ای با موضوع اسارت است که علاوه بر آزادگان خودمان، به اسرای عراقی هم می‌پردازد. این کار در دست‌نگارش است. یک مجموعه داستان در باره فضای مجازی و زمانی درباره مهاجرت به اروپا و یک سرگذشت هم در مرحله تحقیق است که امیدوارم فرصت نوشتن آن برابم فراهم شود.

● **از ورود شخصیت زن به داستان‌ها گفتید.**

● **در برخی کارهای کتاب این اتفاق می‌افتد و از قضا به جذابیت اثر می‌افزاید. چرا این حضور مقوله عشق در کتابتان کمرنگ است؟**

اگر در جریان راهپیمایی‌ها و برخوردها و مناسبات آدم‌های انقلاب، اتصالی رخ می‌دهد، به خاطر اتفاق اصلی یعنی خود انقلاب اسلامی است. در واقع ماجراهای عاشقانه مدنظر شما موضوع اصلی من نیست. نکته دیگر این است که من با مسئله میز می‌هم‌رویه رو بودم. داستانی در این مجموعه دارم که سه بار بازنویسی کردم تا مجوز گرفت. متأسفانه برخورد ممیزی با کتاب وسینما دوگانه است. جالب است که شما اتفاقات عاشقانه و دراماتیکی در هر دو قسمت فیلم «ماجرای نیمروز» می‌بینید. ولی پای کتاب که به میان می‌آید، اجازه نمی‌دهند!

● **آدم‌های داستان‌های شما بیشتر مشهدی و**

شهر

روزنامه شهرامیدوزن

شماره ۴شنبه ۲۵ شهریور ۱۳۹۹

SHAHRAANNEWS.IR

شهر

داستان

سیمین و ماجرای عدد ۲۰



علی‌توسی ۱۰۰ سال پیش، در چنین روزی نویسنده‌ای به دنیا آمد که باید نمره ۲۰ کلاس نویسنده‌گی را به او داد. نه به این علت که نوشته‌هایش بی‌ایراد هستند- مگر گل بی‌عیب هم وجود دارد؟- چه بسا به دلیل پشتکاری که از او سراغ داریم، واجباتی که به دست آورد. سیمین دانشور (۱۳۹۰-۱۳۰۰ خورشیدی) یکی از تحصیل کرده‌ترین نویسندگان ایرانی است. این داستان نویس، مترجم، پژوهشگر و استاد دانشگاه، مدرک دکتری ادبیات فارسی از دانشگاه تهران گرفت و همچنین در دانشگاه استنفورد آمریکا رشته‌ز زیبایی‌شناسی خواند. سیمین را مادر نویسندگان ایران لقب داده‌اند و افزون بر پشتیبانی از جوان‌ترها، سابقه‌ی یاست بر یکی از معروف‌ترین تشکل‌های ادبی کشور را داشت. او نخستین زنی است که در ایران مجموعه داستان نوشت و چاپ کرد آتش خاموش) و عنوان‌هایی از معروف‌ترین رمان‌های فارسی به او تعلق دارد (سووشون، جزیره سرگردانی و...). بانوی ادبیات داستانی مادر زندگی و باورهای شخصی نیز شخصیتی جالب توجه برای پژوهندگان زندگی خود به جا گذاشت. از خانواده‌ای مرفه بود ولی بانویسنده‌ای می‌بال و منال پیمان ناشابویی بست. او با وجود سسترون بودن همسن نامدارش جلال آل احمد، عطای چادر شدن را به لقایش بخشید و با جلال ماند. دغدغه مند بود، اما از سیاست و احزاب سیاسی دوری می‌کرد. با این حال سرو کارش به ساواک افتاد و حتی نامه نوشتند که صلاحیت تدریس در دانشگاه تهران را ندارند و البته پامردی رئیس وقت دانشکده ادبیات آن دانشگاه مانع از تحقق خواست ساواک شد و دانشور از کار برکنار نشد. مادر نویسندگان ایرانی در زمانه‌ای که پیامد سخن گفتن از باورهای دینی و مذهبی، خوردن برچسب‌هایی ناشایست بود، به صراحت از زوی ظهور امام زمان (عج) یادداشت و ناخوشی موعود شیعیان را باعث زیبایی مذهب تشیع می‌دانست. اما سواوی همه این‌ها عدد ۲۰ نقشی عجیب و جالب در زندگی این نویسنده نامی دارد. بیست ساله بود که پدرش را از دست داد، زندگی ناشابویی اش با آل احمد حدود ۲۰ سال- تا مرگ جلال- طول کشید؛ کمابیش همین اندازه‌اش شمار دانشگاه تهران بود، ۲۰ سال با آنفالو از دست به گریبان بود تا اینکه جان به جان آفرین تسلیم کرد. در پایان برای شمول بیشتر این مطلب خوب است یادآوری کنیم فهرست آثار سیمین دانشور، دهه‌ها کتاب را در بر می‌گیرد که به جز چند مجموعه داستان و چند ماناش، تألیف‌ها و ترجمه‌هایی با محوریت ادبیات داستانی جهان، هنر، صنایع و... نیز در آن دیده می‌شود، روانش شاد.

جهان پس از مرگ به روایت ادبیات

در میان کتاب‌هایی که به جهان آخرت می‌پردازند، دونمونه مشهور «گناهان کبیره» به قلم آیت‌ا... دستغیب و «سیاحت غرب» نوشته آفانجفی قوچانی دارای جنبه‌های روایی جالبی هستند. نویسندگان این دو اثر، دو عالم دینی شیعهداند که با بهره‌گیری از اعتقادات دینی خود دوزبانی ساده و عامه‌فهم‌بینی داستان‌گونه، مخاطب را به یادش و مجازات‌هایی توجیه می‌دهند که در آن دنیا در انتظارشان است. این رویکرد در ادبیات جهان سابقه دارد، برای نمونه می‌توان به رساله‌الغفران «از ابوالعلائی معری و «کمدی الهی» دانته اشاره کرد که در باره این دو گفته شده از یک کتاب ایرانی تأثیر پذیرفته‌اند. آن کتاب «اراد و یراف نامه» یا «اراد و یراف نامه» نام دارد و شرح‌گزارشی است که یک موبد زرتشتی از بهشت و همیستگان (برزخ) دوزخ به دست می‌دهد. اصل اثر به زبان پهلوی نگارش یافته و مربوط به ایران پیش از اسلام است. با این حال امروز نیز برگردان‌هایی از آن به زبان فارسی همراه با شرح و توضیح از ژاله آموزگار و رحیم عقیقی و دیگران وجود دارد که مخاطب علاقه‌مند می‌تواند از آن بهره‌بگیرد. کتاب در نگاه‌مخاطب‌دین دار و دین‌پژوه شاید حرف چندانی برای گفتن نداشته باشد، اما جنبه‌های تخیلی آن برای داستان‌نویس می‌تواند به کار آید. کتاب داستان موبد و یراف مقدس را رواایت می‌کند که برای تحکیم باورهای دینی مردم و به یاری همکاران موبد خویش به خوابی هفت روزه می‌رود تا یادش و مجازات‌های انسان هاد عالم دیگر را ببیند و مشاهدات خود را در بازگشت شرح دهد. «اراد و یراف نامه» به ویژه در بخش دوزخ، تصاویری شگفت‌انگیز پیش‌روی خواننده می‌گذارد که می‌توان داستان‌هایی جذاب بر پایه آن نوشت. افرادی که در دنیا با چهار پایان بد رفتاری کرده‌اند، روانشان در دوزخ زیر پای گاو ان انداخته می‌شود و شکم‌هایشان دریده و استخوان‌هایشان شکسته می‌شود، داوران دروغ‌زن و رشوه‌گیر در دوزخ از یک پا آویزان می‌شوند در حالی که کوروزبان بریده شده‌اند و میخی در سرشان فرو رفته است و... و

بخشی از محتوای کتاب شاید ر اشتراکات میان ادیان و ماهیت‌گنگل‌ن‌ها ریشه‌دارد. اما می‌گمان، نقش تخیل انسانی در «اراد و یراف نامه» بسیار پررنگ است و از این رو، بدیهی است که باید به آن به مثابه اثری ادبی یا فرهنگی نگاه کرد، در غیر این صورت، خواننده این کتاب چه بسا خورد به خنده شود.

● **در نگارش این مطلب، به جز فیلم، «گر سنگی» از منازبعی چون کتاب‌های راهنمای فیلم روزه، بهرام‌درحیمیان، جلد اول (۱۹۶۹-۱۸۹۵)، انتشارات روزه‌کار، ۱۳۷۸، و «گر سگنه، کتوت هامسون احمد گلشیری، انتشارات نگاه، ۱۳۸۲، استفاده شده است.**

